

کسی نجات یافت

حکایت است و جنگِ رحم به جزای نمی کند ...
کسی به کام آتش دشمن فدا و سوزفت
آتشان سینه نوزان بحر شد .
صده جوان جنگی جان باز موقعت
یک تن نجات یافت .

سر باز بنه نوضه ، افاده روی آفت
بی مونس و زخم دار .

چندین نرسنگ بر سر او ، در لایق نخت

ساید به مونس آید و درمان شود کسی .

یا دست کم ، سکنه اش آسان شود کسی ...

ان ~~روز~~ ^{روز} است که انگشت می لرز ، (این روز دهم است ، که انگشت می لرز)

با نظم یک نواخت ، کفان می خورد دلام

اما نقش جور کتک سالت سیاه .

درمانده اند همه پزنگان به کار او ...

بکار او رسید و به « مونس » اش جواب داد :

« کسی نجات یافت

مادران سلاحتند »

انگشت می نوضه زنا که رها شدند .

سر باز با کباز ، در انجمنی جاودان

آموده رفت ، تا شود افسانه زمان ...

× × ×

لندن . آکبر (۱۹۸۱)
مهرماه